



ضرورت اولویت بندی مصارف گاز

ایران اولین و بنا بر برخی آمارها دومین دارنده ذخایر گاز در دنیاست. اگر چه به باور برخی کارشناسان به نتیجه رسیدن مذاکرات در خصوص صادرات گاز به کشورهای دیگر و آغاز پروژه های مرتبط با این حوزه فرصت ذی قیمتی برای ارزآوری به کشور قلمداد می گردد و صادرات گاز منافع اقتصادی و غیراقتصادی بسیاری برای کشور به ارمغان می آورد (قرارداشتن پروژه صادرات گاز به عراق و احداث خط لوله و صادرات گاز به پاکستان در اولویتهای اقدامات وزارت نفت در سال 96، موید همین دیدگاه است)، ولی از سوی دیگر برخی دیگر از کارشناسان معتقدند یکی از جایگزین های مطرح برای صادرات گاز در تامین منافع ملی، تزریق گاز به مخازن نفتی کشور است که با توجه به ورود مخازن کشور به نیمه دوم عمرشان ضرورتی انکار ناپذیر می باشد. متاسفانه همیشه شاهد بوده ایم که میزان گاز تزریق شده به مخازن نفتی کشور کمتر از میزان مصوب (با صرف نظر کردن از این نکته که به نظر برخی از کارشناسان صنعت نفت، میزان نیاز مخازن به تزریق گاز بسیار بیشتر از میزان مصوب می باشد)، محقق شده است و دلیل اصلی این موضوع نیز کمبود گاز ذکر می گردد. به زبان ساده یعنی میزان تولید گاز ما برای تامین نیاز بخشهای مختلف کشور، انجام تعهدات حال حاضر کشور مانند صادرات به ترکیه و تزریق به میزان لازم به میادین کشور کافی نیست لذا با توجه به اولویت های موجود همیشه بخش سوم موضوع یعنی تزریق به میادین مورد کم لطفی قرار گرفته است. لذا با توجه به اهمیت تزریق گاز برای تولید صیانتی از مخازن کشور که تاخیر در آن می تواند صدمات جبران ناپذیری داشته باشد، به نظر نمی رسد که صادرات گاز به کشورهای دیگر اولویت اصلی کشور در استفاده از گاز باشد.

فارغ از تایید یا رد هریک از این دیدگاهها، نکته مهم در این خصوص هزینه فرصت مصارف مختلف گاز است چرا که گاز نیز مانند هر منبع دیگری محدود است و باید برای تامین نیازهای نامحدود ما به نحو

بهینه ای تخصیص یابد. شاید اهمیت انجام مطالعات جامعی در کشور برای اولویت بندی مصارف گاز کشور در اینجا نمایان می گردد.

به نظر می رسد در تمام این اختلاف نظرها جای مطالعاتی جامع در زمینه منابع گاز کشور و ترسیم چشم انداز و اولویت بندی های بلندمدت برای نحوه تخصیص بهینه این منابع متناسب با اسناد بالادستی و منافع ملی کشور خالی است.